

Die Naht, Wunde, Verletzung, vernaehen

written by مرتضی غلام نژاد | سپتامبر 23, 2017

در درس Wort des Tages یا لغتِ روز امروز می خواهیم با چند لغت مهم و کاربردی در زبان آلمانی آشنا شویم و به مفهوم های آنها پی ببریم ، زیرا لغات آمده در این درس ، در شرایط و جاهای مختلف می توانند معانی و مفهوم متفاوتی را به همراه داشته باشند و باعث سر در گمی شوند.

die Naht, Nähte

Linie an der Stelle, wo zwei Teile Stoff verbunden sind

درز ، شکاف

و گاهی اوقات به معنی بخیه

آن خطی که در محل متصل شدن دو پارچه (ایجاد می شود)

Schau mal, mir ist die Naht an meiner Hose aufgegangen. So ein Mist!

نگاه کن ، درز شلوارم باز شده. چه بد شانسی!

البته در مورد اصطلاح So ein Mist باید بگویم که در لحظه بد شانسی و خشم گفته می شود اما معنی خیلی بدتری نیز به همراه دارد.

مثل اینکه یک نفر در فارسی از یک اتفاق به شدت خشمگین شود و بگوید :

گوه بگیرتش ، لعنتی و ...

ما می توانیم برای اینکه بگویم درز شلوار یا پیراهن ، لباس و ... باز شده است از گذشته کامل فعل aufgehen استفاده کنیم ، همانند مثال بالا ، اما اگر بخواهیم یک درز را شکاف بدهیم یا از هم جدا کنیم ، آنگاه به سر وقت فعل auftrennen میرویم که به

معانی زیر می باشد:

شکاف دادن ، جدا کردن

eine Naht auftrennen

یک درز را شکاف بدهیم

یک درز را جدا کنیم

مثل اینکه شلوار یا پیراهن ما درزش باز شده باشه و با دست بگیریم از هم جداش کنیم یا شکافش بدیم

البته به شکاف یا زخمی که روی بدن ایجاد می شود و آن نیاز به بخیه زدن دارد نیز die Naht گفته می شود

اما توجه داشته باشید که زخم خودش یک لغت به نام die Wunde را دارا می باشد و اثر زخم نیز Die Narbe رو دارد و همچنین برای جرات ، آسیب یا صدمه ، می توان به سروقت die Verletzung برویم

در واقع die Naht در اینجا آن شکاف میان پوست دست است که حال نیاز به بخیه کردن vernähen دارد و اسم بخیه نیز در آلمانی der Stich است هر چند که می شود از همین die Naht هم استفاده کرد.

زبان آلمانیست و عجایب خودش ۴۴

در ادامه برای تمام لغات های گفته شده ، مثال های نیز بیان خواهم کرد

Naht an einer Hand

شکاف روی یک دست یا جای بخیه روی یک دست

که بر اثر زخم شدن یا بریدگی باعث شده شکافی بین پوست دست ایجاد شود و ما نیز آنرا بخیه کنیم

بررسی فعل جدا شدنی auftrennen

گفتیم به معانی : شکاف دادن ، جدا نمودن است

گذشته ساده : trennten auf

گذشته کامل : haben aufgetrennt

den Saum auftrennen

آن خط مرزی را جدا کردن

مانند اینکه دو کشاورز ، خط مرزی میان زمین هایشان ایجاد میکنند یا به زبان ساده تر یک مرزی بین زمین هایشان به وجود می آورند

Das Genähte wieder auftrennen

یک جای زخم بخیه شده را دوباره جدا کردن

یعنی بخیه های یک دست را پس از خوب شدن جدا کنیم یا به زبان ساده تر اینکه بخیه ها را بکشیم

die Narbe یک اسم مونث است

زخم ، نشان ، اثر زخم ، لکه های که روی میوه جات گاهها به وجود می آید

Sein Arm war mit Narben bedeckt

بازوی او سرشار از اثر زخم بود

مثل اینکه یک کسی روی بازوهایش خود زنی کرده باشد و آن اثر زخم های به جا مانده از بریدگی ، به روشنی پیدا باشد

Die Wunde یک اسم مونث می باشد

زخم ، جراحت

Eine frische Wunde

یک زخم یا جراحت تازه

Die Wunde blutet

آن زخم در حال خون ریزی است

Eine Wunde am Kopf haben

یک زخم روی کله (سر) داشتن

به زبان ساده تر : سر یا کله آدم بشکند و یک زخمی در آن به وجود بیاید

Aus einer Wunde bluten

از یک زخمی ، خون به بیرون بزند

یک زخم شروع کند به خون ریزی کردن

Die Verletzung یک اسم مونث می باشد

Er hat eine Verletzung am Kopf

او یک آسیب دیدگی در سر دارد

یک جرات روی سر دارد

Schwere Verletzungen erleiden

آسیب دیدگی های سختی متحمل شدن

vernähen یک فعل با قاعده می باشد

دوختن ، بخیه کردن ، خیاطی کردن

گذشته ساده : vernähten

گذشته کامل : haben vernäht

در واقع در تفکر آلمانی تفاوتی میان دوختن و بخیه کردن وجود ندارد ، یعنی در دو حالت فعل vernähen مورد استفاده قرار میگیرد ، اما در تفکر فارسی ما دوختن را برای پوشاک استفاده میکنیم و بخیه کردن را برای زخم

مثال در خیاطی :

Den Riss im Ärmel mit ein paar Stichen vernähen

بریدگی یا پارگی در آستین ها را با چند کوک بهم دوختن

در پزشکی :

Die Ärztin vernähte die Wunde

خانم دکتر آن زخم را بخیه کرد یا بخیه زد

تا اینجا اگر توجه کرده باشید هر چیزی که به زخم یا اثر زخم یا بریدگی مربوط بود ، حرف تعریف آن die بود یعنی اسم مونث بودند

die Wunde, die Verletzung, die Naht, die Narbe

اما جای نیش یا بخیه der می باشد

der Stich یک اسم مذکر است

جای زخم ، کوک ، بخیه ، جای نیش (مانند نیش زنبور) و ...

Der Stich einer Biene

جای نیش یک زنبور

Der Stich juckt noch

جای آن نیش یا زخم هنوز میخوارد

هنوز در جای آن زخم یا نیش احساس خارش کردن

Ein paar Stiche sind aufgegangen

چند بخیه از هم جدا شده باشند یا اینکه چند جای کوک جدا شده باشد.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :